



صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سرمدیر: دانیال معمار

معاون ضمايم: حامد فوقانی
دبیر ویژه نامه: مهلا داریان
دبیر اجرایی: مجتبی یارزمان

همشهری

گروه ضمايم همشهری ناشر نشریات:

دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها،
سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهرنگار،
سرخ و محله

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، نرسیده به پارک وی،
کوچه شهید قریشی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
صفحه آرایی: مجید اصغری
عکاس: ساتیار امامی
ویرایش عکس: مرجان عبداللهیان، صفحه خوانی و حرفه‌یابی: همکاران واحد فنی تحریریه
و با تشکر ویژه از دیگر همکاران مؤسسه همشهری

چاپ:

همشهری
پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰

صندوق پستی:

۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
تلفن: ۲۳۰۲۳۶۶۳

قلعه دیو؛ نگهبان جاده ابریشم

«دیو کلی» یک بنای تاریخی و کهن در استان مازندران است

قسمتی از دیو کلی در زلزله ۱۳۳۴ ویران شد و بعدها پروفسور شروین باوند به کمک محلیان آن را مرمت کرد. اما این بنا هم مانند دیگر آثار این منطقه حال و روز خوبی ندارد. مرمتش که چنگی به دل نمی‌زند و انگار که روی بنایی به این قدمت تنها گچ و سیمانی مالیده‌اند و پنجره و دری فلزی هم برایش گذاشته‌اند. داخلش هم که چه عرض کنیم؛ با دیوارنویسی‌های رنگ و وارنگ که حتی تا روی سقف هم دیده می‌شود تزئین شده است! باید بگویم آنهایی که این نقش‌ها را کشیده‌اند تنها قصد داشته‌اند این بنا زیباتر شود و اصلا دلشان نمی‌خواسته به آن آسیبی برسانند و یا شاید آنقدر مرمت این بنا ناشیانه انجام شده که ترجیح داده‌اند نامشان را روی سفیدی‌های آن بنویسند تا شاید با این کار در تاریخ ماندگار شوند. در هر صورت قصد بدی نداشته‌اند اما قضاوت را به عهده شما می‌گذاریم.

و خراج، دیدبانی و حفاظت در اینجا ساخته شده است. تا به حال داخل مهره رخ شطرنج را ندیده بودیم که با رفتن داخل دیو کلی آن را هم دیدیم که همان قلعه دیو در زبان محلی است، معماری آن ساسانی است و نظامیان از این برج با آتشگاه‌های قلعه‌های اطراف در ارتباط بودند و حتی گاهی با علامت‌های خاصی به کاروانیان هشدار می‌دادند.

از دور برجی را دیدیم که دقیقا شبیه مهره رخ شطرنج است؛ برجی دیدبانی که روی صخره‌ای یک تکه بنا شده و حدود ۱۷۰۰ سال تاریخ و جنگ و نزاع را از آن بالا دیده است. در کاوش‌هایی که اطراف آن صورت گرفته بقایایی از اسکلت‌ها و مجسمه‌هایی به دست آمده که آثاری از ضرب و جرح روی آن کشف شده و نشان می‌دهد اینجا مسیری مهم برای تردد کاروانیان جاده ابریشم بوده و برای گرفتن باج

قلعه دیو کلی - سرخ‌آباد فیروزکوه



سامان توفیق، دکتری باستان‌شناسی قلاع و استحکامات دفاعی



کاملا تخلیه شود. یافته‌های باستان‌شناسی قدمت این منطقه را به قبل از دوران هخامنشی می‌برد. اهمیت این طاق به خاطر استحکاماتی است که اطراف آن وجود دارد و به آن مرتبط است. دهانه غار طاقی به ارتفاع ۱۴۰ متر و عرض حدود ۱۱۰ متر دارد که بلندترین طاق جهان است. داخل غار اتاق‌ها و راه‌پله‌هایی وجود دارد که محل استقرار نظامیان بوده و حتی مخزن ذخیره آب را هم می‌توان دید که دست‌نیافتنی است و راهی در حال حاضر به داخل وجود ندارد و نیازمند مهارت‌های سنگ‌نوردی و فرود از سقف است. اینجا نقش پرنگی در شاهنامه دارد و جایگاه دیو سفید را ترسیم کرده است. وقتی رستم به مازندران می‌آید بعد از گذر از شش‌خوان در خوان هفتم باید با دیو سپید بجنگد که این دیو در غاری زندگی می‌کند که در بالای کوهی دست‌نیافتنی است و در داخل آن دژی وجود دارد که دیو در داخل آن دژ زندگی می‌کند. اینها همه توصیفات است که حکیم بزرگ ما فردوسی از مقر و دژی نام می‌برد که با هیچ سازه‌ای به غیر از دژ اسپهبد خورشید قابل تطابق نیست. چون ما غار زیاد داریم و هیچ غار یا طاقی به این اندازه که درون آن دژی ساخته شود در ایران نداریم پس بدون گفت‌وگو باید بی‌زیریم که فردوسی در سال ۴۰۰ هجری در این منطقه حضور داشته و پس از بازدیدی که از این منطقه داشته از این دژ یا سازه دیدن کرده و حتی نسخه اول شاهنامه را به حاکم وقت سوادکوه پیشکش کرده است. دژ اسپهبد خورشید را به عنوان هفتمین دربند و آخرین خوان در کتاب خود آورده است. « کمی از آن دور دست‌ها به ماشین‌هایی که در جاده تردد می‌کردند خیره ماندیم. و باد را فرستادیم به خوان اول در آن سوی کوه‌ها تا خبر حضور ما را برساند. اگر گذرتان به جاده فیروزکوه افتاد این بار ساده از آن نگذرید؛ اینجا جایی است که روزی فردوسی را در خیالات خود غرق کرده و از آن شاهکاری بیرون آمده که او را در تاریخ ابدی کرده است.

خوان هفتم؛ محل زندگی دیو سپید

قدمت این منطقه به قبل از دوران هخامنشی می‌رسد

به جرأت می‌توان گفت جاده فیروزکوه پر از شگفتی است و سفر ماجراجویانه ما در نقطه‌ای تمام می‌شود که می‌گویند دیو سپید، کیکاووس، شاه ایران و سپاهش را در آنجا به بند کشید و رستم برای آزادی ایرانیان به نبرد دیو رفت. کمی جلوتر از دیو کلی از ورودی روستای ارژنگ رودبار مسیری پربییج و خم را طی کردیم تا به منظره‌ای خیره‌کننده رسیدیم. محور مه‌آلود و زیبایی فیروزکوه از آن بالا دیده می‌شد و ما جایی درست در مقابل غار اسپهبد خورشید توقف کردیم. سامان توفیق، باستان‌شناس و سرپرست پیشین پروژه دژ اسپهبد خورشید که مقالات و گزارش‌های مختلفی از آن تهیه کرده مقابلش در کنار پرتگاهی ایستاد و به دور دست‌ها خیره شد. بادی خنک می‌وزید و او ما را با توضیحاتش همراه باد به داخل غار برد؛ «اینجا دژ یا طاق اسپهبدان آخرین نقطه در ایران است که در سال ۱۴۴ هجری قمری به دست اعراب افتاد و گنج‌خانه شاهان ساسانی به طوری که هفت شبانه روز طول کشید تا اموال آن

